

بررسی رابطه ی بین سرمایه ی فرهنگی و بحران هویت در میان
دانشجویان کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

فرامرز تقی‌لو^۱
علیرضا کندوانی^۲
فرهاد جبارپور^۳
مهدی ابراهیمی^۴

تاریخ وصول: ۹۴/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۳۰

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین سرمایه ی فرهنگی و ابعاد مختلف هویت در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ می‌پردازد. روش پژوهش کمی و تکنیک مورد استفاده پیمایش می‌باشد. بدین منظور یک نمونه ی ۳۴۵ نفری از دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به شیوه ی تصادفی سهمیه ای انتخاب شده، داده ها توسط پرسشنامه گردآوری شد. یافته ها نشان می‌دهد که بین سرمایه ی فرهنگی و ابعاد سه‌گانه ی بحران هویت (فردی، قومی، ملی) رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین میانگین ابعاد فردی، قومی و ملی بحران هویت بر اساس متغیرهای جنسیت و شاخه ی تحصیلی متفاوت می‌باشد. در آزمون رگرسیون سلسله مراتبی چندمتغیره، متغیرهای سرمایه ی فرهنگی،

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، استادیار گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران.

^۲ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران.

^۳ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران.

^۴ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی به ترتیب وارد معادله شدند و توانستند در مجموع حدود ۲۰ الی ۲۲ درصد از واریانس متغیرهای وابسته یعنی بحران هویت (فردی، قومی، ملی) را تبیین کنند. در نتیجه بین سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد سه‌گانه‌ی هویت رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی فرهنگی، هویت، بحران هویت (فردی، قومی، ملی).
مقدمه و بیان مسأله

امروزه، هویت بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است و از این روی بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است. با ورود جامعه به عصر مدرنیته و تحولات عظیم ناشی از آن، توجه به نقش و جایگاه انسان اهمیت ویژه‌ای یافت؛ به گونه‌ای که امروزه توسعه‌ی جامعه و مدیریت خردمندانه‌ی تغییرات در جهت به حداکثر رساندن میزان بهره‌گیری از تمام انرژی‌ها و توانایی‌های موجود برای برآوردن نیازهای افراد و کمک به رشد و شکوفایی استعدادهای جسمانی، روانی و اجتماعی آن‌ها تا حد زیادی مرهون شناخت قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص تمامی اقشار و گروه‌های شغلی و تحصیلی، و به فعلیت رساندن آن‌ها می‌باشد. اما در این میان دانشجویان (به ویژه در مقاطع تحصیلی بالاتر) چگونه و طی چه فرآیندهایی می‌توانند این وظایف را بر عهده بگیرند؟ یا به عبارت دیگر تحت چه فرآیندهایی، نقش محول به دانشجویان (در آینده) توسط آنان محقق می‌شود و عوامل و سازوکارهای تحقق این فرآیندها و نیز موانع این امر کدام‌اند؟

در پاسخ به این سؤال است که بحث هویت مطرح می‌شود. زیرا هویت افراد است که اندیشه و رفتار آن‌ها را مشخص می‌کند. به نظر جنکینز، هویت دارای معانی متعدد و در عین حال به هم پیوسته‌ای نظیر تشابه، تمایز، طبقه‌بندی و مرتبط بودن است که هر کدام در فرآیند عمل، جایگاه معینی را به هویت می‌بخشند. در واقع هویت در اثر یافتن یک یا چند معنا از معانی فوق، در طول زمان و در جریان عمل تثبیت می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). از این منظر می‌توان دریافت که هویت فقط یک خصلت یا ویژگی معین

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

و ثابت نیست، بلکه مجموعه‌ای از خصایل و ویژگی‌هاست که در طول زمان، سیال و متأثر از ساختار اجتماعی و میزان کنش‌گری افراد، در حال نوشدن است. به عبارت بهتر، کیستی افراد متأثر از تعلق آن‌ها به نام، خانواده، طبقه، تحصیلات، وضع ازدواج، جنسیت و حتی گرایش‌های فرهنگی آن‌هاست. هویت اجتماعی احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه است به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه‌ی خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد.

امروزه عواملی چون صنعتی شدن، توسعه‌ی تکنولوژی، گسترش اقتصاد و توسعه‌ی ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی آن نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم، بلکه چارچوب‌های نمادین آن‌ها را نیز دگرگون می‌کنند. دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، قواعد و رسوم اخلاقی و مذهبی پیوسته مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی افراد به هویت نیاز دارند، از طریق هویت می‌توان از پیچیدگی و سرعت تغییرات کاست و به انسان‌ها توانایی آن را بخشید که نظمی نسبی در زندگی خود و دنیای اطرافشان ایجاد کنند. دسترسی انسان‌ها به طور اعم و دانشجویان به طور اخص، به هویت واقعی باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهدافشان می‌شود.

بنابراین، هویت افتراق و تمایزی هست که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت هر شخصی یک سازه‌ی روانی- اجتماعی است و طرز تفکر و عقاید و نحوه‌ی ارتباط فرد با دیگران را شامل می‌شود (احمدی، ۱۳۷۵: ۴۸). بر اساس نظریه‌ی، اریکسون (۱۹۶۸) اگر هویت شخص در طول زمان و بر اساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی شکل بگیرد و فرد خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود؛ ولی اگر به جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش شود، هماهنگی و

تعادل روانی او به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود؛ بنابراین، رشد و تکامل انسان‌ها وابسته به حل این بحران است.

بر همین اساس می‌توان گفت که یکی از بحران‌های مهم در طول زندگی، بحران هویت است که به‌ویژه در نوجوانی و جوانی اتفاق می‌افتد و در سازگاری شخصی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و طرح‌ریزی شغلی آنان اختلال عمده‌ای ایجاد می‌کند. «من کیستم» این سؤالی است که ذهن هر فرد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان را به خود مشغول می‌کند و افراد را برای یافتن پاسخ این سؤال به جست‌وجوی خویشتن و کسب هویت برمی‌انگیزد. چنین افرادی از خود می‌پرسند که جایگاه اجتماعی من کجاست؟ آینده‌ی شغلی من چیست؟ رشته‌ی تحصیلی من چه نقشی در آینده‌ی شغلی من خواهد داشت؟ سرانجام با چه کسی ازدواج خواهم کرد و ارزش‌های اخلاقی و فلسفی من چه خواهند بود؟

بدون وجود چارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت‌های فردی، من همان بودم که شما هستید و هیچ یک از ما قادر نمی‌بود با دیگری نسبت معنادار یا سازگاری برقرار کند. در واقع بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نیست (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۱). هویت دربرگیرنده‌ی فرآیندهای ساختن خود و دیگران است و منبع معنا برای کنشگران (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۱). در صورتی که کنشگر دچار بی‌هویتی شود، نمی‌تواند ارتباط خود را با محیط اطرافش کنترل کند و با دیگر انسان‌ها وارد کنش متقابل شود. از طرف دیگر هویت پدیده‌ای زنده و پویاست که در این میان سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند نقش اساسی در شکل‌دهی به آن ایفا نماید. لذا ارزیابی وضعیت هویت و سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه‌ی در حال گذار ایران بسی حائز اهمیت است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که بخش بزرگی از نسل امروز ما از بحران هویت رنج می‌برند به طوری که با تاریخ، فرهنگ و هویت خود بیگانه هستند، و این بیگانگی به صور مختلفی از جمله بی‌هدفی، بی‌اعتباری، خودکم‌بینی، ضعف مبانی عقیدتی و ارزش‌های اخلاقی، هدر رفتن استعدادها، آسیب‌پذیری

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

در برابر انحرافات و تأثیرپذیری از الگوهای بیگانه و مکاتب انحرافی به خوبی مشهود است. در دوران نوجوانی و جوانی سؤال‌های فلسفی مهمی وجود دارد که نداشتن پاسخگویی مناسب و ارائه‌نکردن الگوها و راهکارهای عملی از یک سو و ظهور و گسترش سریع انواع مکاتب انحرافی جدید با توجه به سرعت ارتباطات از سوی دیگر، باعث تشدید بحران هویت جوانان شده است. در این بین تعدادی به سلامتی این بحران را پشت سر می‌گذارند ولی تعدادی دیگر در حالت تعلیق به سر می‌برند و برای همین ایدئولوژی‌های مختلفی را تجربه می‌کنند (الطایی، ۱۳۷۸: ۵۰).

برخی معتقدند که منابع فرهنگی نقش مهم و مؤثری در شکل‌گیری هویت دارند و این منابع می‌توانند برای انسان، هدفمندی و احساس کنترل شخصی به ارمغان آورند. بسیاری از بررسی‌های انجام‌شده نیز نشان می‌دهند که افراد هنگام مواجهه با بحران، از تجارب فرهنگی گسترده‌ای که از جامعه کسب کرده‌اند استفاده می‌کنند؛ بنابراین، داشتن سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند منبع نیروی مهم و اثربخش به هنگام مواجهه با بحران باشد. باید گفت که طی دوران نوجوانی و جوانی همراه با سایر تغییر و تحولات بدنی و روانی، رشد و تحول تجارب و سرمایه‌ی فرهنگی نیز صورت می‌گیرد و این رشد و تحول ممکن است تجارب فرهنگی جدید، درکی تازه از باورها یا تجارب فرهنگی قبلی، احساس معنا و هدفداری بیشتر در زندگی یا آگاهی بیشتر از نقش داشته‌های فرهنگی در زندگی روزمره را شامل شود.

از طرف دیگر، صاحب‌نظران توسعه معتقدند که سرمایه‌ی فرهنگی خود شاخصی از توسعه‌ی فرهنگی می‌باشد و با توجه به اهمیت سرمایه‌ی فرهنگی در یک جامعه، لازم است که سیاست‌گذاران فرهنگی شناخت کاملی از این سرمایه و برآوردی از رشد آن در اختیار داشته باشند تا بتوانند چگونگی تحولات آن را بدانند و منابع لازم برای تامین این نیاز را به گونه‌ای متناسب تخصیص دهند (شارع‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۳). در نتیجه می‌توان مشاهده نمود که سرمایه‌ی فرهنگی

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

ارتباط تنگاتنگی با مفهوم هویت دارد. تغییرات و تحولات عمدتاً از طریق عوامل موقعیتی و شرایطی ناشی می‌شود. از جمله این عوامل می‌توان به سرمایه‌ی فرهنگی یا میزان دسترسی به منابع معرفتی اشاره نمود (شارع‌پور، ۱۳۸۱: ۱۰).

هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد و اهداف اختصاصی تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. بررسی تفاوت بحران هویت بین دانشجویان دختر و پسر
۲. بررسی تفاوت بحران هویت بر اساس شاخه‌ی تحصیلی
۳. بررسی رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد سه‌گانه‌ی بحران هویت

تبیین نظری هویت و سرمایه‌ی فرهنگی
بحران هویت در سطح فردی: بحران هویت به معنای تعدد، تنوع و تعارض هویت‌های جمعی کوچک و خاص‌گرایانه و ضعیف شدن هویت جمعی در یک جامعه اشاره دارد (شرفی، ۱۳۸۱: ۵۱). از دیدگاه نظم اجتماعی جامعه دارای نظم ذاتی است و گاهی اوقات بنا به ضرورت باید تغییراتی به خود ببیند و خود را با دنیای در حال تغییر منطبق نماید، لذا وجود بحران هویت ذاتی جامعه نیستند بلکه عارضه‌هایی هستند که به طور موقت بر جامعه تحمیل شده‌اند و جامعه توانایی ترمیم این آسیب‌ها را دارد. از دیدگاه نظری تضاد در دو گروه وجود دارند: گروه اقلیت (قدرتمند، آگاه و ثروتمند) و گروه اکثریت (فاقد قدرت و آگاهی را ستین). دیدگاه انتقادی بحران هویت را ناشی از فقدان عدالت اجتماعی در زمینه‌ی ثروت، قدرت و آگاهی می‌داند که باعث شده است اکثریتی از هویت واقعی خود دور شده و در حالت بحران هویت سرگردان باشند. از دیدگاه نظری گروه مرجع، در یک نظام اجتماعی پایدار، افراد آن نظام، گروه‌های مرجع خودی را مثبت و گروه‌های مرجع غریبه

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

را منفي و غير قابل تأسی می‌دانند. اگر در يك نظام اجتماعي گروه هاي خودي مشروعیت مرجع بودن را از دست بدهند، افراد به دنبال گروه‌هاي بیگانه خواهند بود. همچنین دیدگاه جامعه‌پذیری بر جریان اجتماعي شدن انسان‌ها تأکید دارد. اگر به هر دلیلی عاملان جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌هاي همگانی) نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا نمایند، جریان انتقال هویت فرهنگی با اشکال مواجه شده و بحران هویت پیش خواهد آمد.

برگر معتقد است تعاریف سنتی واقعیت که زندگی روزمره در جامعه‌ی سنتی را در قالب روابط عاشقانه‌ی افراد، ازدواج، تربیت فرزند، ایمان دینی، انجام مناسک دینی، تغییرات درونی انسان‌ها و ... ثبات می‌بخشید، اکنون در قالب مدرنیسم بسیار سیال و بخش‌بخش شده و معقولیت اجتماعی‌شان را از دست داده‌اند. او می‌گوید بشر مدرن نیازمند تفاسیر قابل اعتمادتری از واقعیت و نیز وجود شخص خود است. برای یافتن این تفاسیر باید به «درون» و اعماق ذهنیت بشری بازگشت. در این پروسه‌ی ذهن‌گرایی، افراد به درون خود بازگردانده می‌شوند تا معنا و نیز ثباتی را که برای بودن و زندگی کردن نیاز است، از درون باز یافته و دوباره زنده کنند. در حالی که فرآیند مدرنیسم با خصلت ذاتی بی‌ثبات‌کنندگی‌اش، نظم عینی جامعه سنتی را متزلزل کرده و اعضای جامعه برای انتخاب یکی از گزینه‌های متعدد پیش رو نمی‌توانند به این عینیت‌ها متمسک شوند؛ به ناچار در بازگشتی درونی و رو به خود، به ذهنیت‌ها متوسل می‌شوند. برگر معتقد است انسان مدرن از رنج «بی‌خانمانی» در عذاب است. او بحران هویت را که در واقع مرکز و کانون بحران معنا است، نه یک خصوصیت تصادفی یا یک ویژگی موقتی و گذرا، بلکه خصلت ذاتی زندگی اجتماعی مدرن می‌داند؛ خصلتی که از بین رفتنی نیست. در مسیر این بحران، جوانان از هر گروه دیگری آسیب‌پذیرترند و بحران معنا بیشتر در آن‌ها حلول می‌کند. اقشار متوسط و متوسط رو به بالای جامعه نیز به خاطر این‌که بیشتر در شهرها زندگی می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند و

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

تحرك اجتماعی بیشتری دارند، بیش از دیگران در
معرض بحران معنا هستند.

و بر به برداشت کنشگر از کنش خود توجه می‌کند.
انسانی که مدام در حال وهم‌زدایی از جهان است،
سرانجام در عقلانیتی تشدید شده که خود ساخته است،
گرفتار و اسیر می‌شود. در دیوان‌سالاری از انسان
شخصیت‌زدایی می‌شود و ارزشش پایین می‌آید. و بر
می‌نویسد: "بوروکراسی در صورتی بیشتر تکامل می‌یابد
که بیشتر انسان‌زدایی شود. یعنی بتواند هر چه
بیشتر، محبت، نفرت و تمام عناصر شخصی، غیرمنطقی و
عاطفی محاسبه‌ناپذیر را از شغل اداری و زندگی
انسان حذف کند." در جامعه‌ی به شدت عقلانی‌شده، هر
یک از ما بیشتر محکوم به از خود بیگانگی خواهیم
بود. احساس می‌کنیم برده‌ی چیزی هستیم فراتر از
وجودمان. محکوم به آن هستیم که فقط بخشی از وجود
خود را تحقق ببخشیم. ناگزیریم همه‌ی عمر بر شغلی
محدود بدون امید باقی بمانیم. به عقیده‌ی وبر، کار
بوروکراتیزه شدن جهان نوین به شخصیت‌زدایی کشیده
است و عقلایی و بوروکراتیزه شدن هر چه بیشتر
جامعه‌ی بشری امری تقریباً گریزناپذیر است. و بر
مانند مارکس بر این عقیده است که جهان عقلانی به
غولی تبدیل شده است که آفرینندگانش را به
انسانیت‌زدایی و بحران معنا و هویت تهدید می‌کند
(کوزر، ۱۳۷۳: ۲۷۰).

از نظر دورکیم به تدریج که جوامع از حالت
ابتدایی خارج شده و به سوی نوگرایی پیش می‌روند،
همبستگی‌های اجتماعی پیشین فرومی‌پاشد. این در حالی
است که هنوز همبستگی‌های جدید شکل نگرفته‌اند. از
این رو در حالت گذار جوامع از یک مرحله به مرحله
دیگر (به عنوان مثال از حالت ساده به پیشرفته)،
همبستگی‌های اجتماعی به ضعیف‌ترین نقطه‌ی خود می‌رسند
و نیروهای گسستگی در اوج خود قرار می‌گیرند. در
چنین حالتی است که جوامع دچار سرگشتگی و بی‌هویتی
شده، و به تعبیر دورکیم حالت "آنومی" در جوامع
پدید می‌آید. به طور کلی دوره‌هایی در حیات
ارگانیسم جامعه پدیدار می‌شوند که در آنها عامل
وحدت‌بخش نخستین (وجدان جمعی) دچار خلل می‌شود. این

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

همان وضعیتی است که در آن از یک طرف پیچیدگی‌های جامعه به پیش رفته، گروه‌های جدیدی پیدا شده، و انسجام سنتی نیز به هم ریخته است و از سوی دیگر نظام جدیدی نیز استوار نشده است. در این نقطه است که وضعیت بی‌هنجاری (آنومی یا چندگانگی هنجاری) پدید می‌آید. در این حالت نظام ارزشی مشترک از بین می‌رود و نظام‌های ارزشی گوناگونی زاده می‌شوند. مهم‌ترین تحولی که دنیای جدید را مشخص می‌کند همین پیدایش نظام‌های ارزشی مختلف است که وضعیت آنومی را به همراه می‌آورد. تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن را نیز می‌توان انعکاسی از وضعیت آنومی در این گونه جوامع به شمار آورد (میرساد، کاوسی، و رمضان‌زاده، ۱۳۸۷: ۸-۷۲).

از دید کولی نیز "خود" هویت انسان است و زمانی که انسان بتواند این هویت را کسب کرده و تشخیص دهد، می‌تواند به شناخت خود نایل آید. انسان هویتی دارد که باید در محاسبات اجتماعی دخالت کند. رشد خود یک جریان مستمر، تدریجی و دائمی است و تا وقتی که تجربه‌ی اجتماعی موجود است، خود نیز در حال تکوین و رشد است. تکوین فرآیند خود آینه‌سان از سه مرحله می‌گذرد: ۱) پدیداری خود و به شکل ظاهری (به چشم دیگران یا در برابر آینه‌ی خود دیگران؛ ۲) چگونگی داوری و قضاوت دیگران درباره‌ی پدیدار شدن خود؛ ۳) پیدایش احساسی در خود در نتیجه‌ی قضاوت و ارزیابی دیگران که می‌تواند به غرور یا سرشکستگی ما منجر شود.

گروه مرجع افراد با مفهوم مهم دیگری با عنوان هویت افراد مرتبط است. هویت پاسخی است که به سؤال «من کیستم؟» می‌دهیم. قسمت مهمی از پاسخ به این پرسش شامل گروه‌هایی است که ما عضو آن هستیم. افرادی که فرد آن‌ها را مهم تلقی می‌کند، «دیگران مهم» هستند. دیگران مهم کسانی هستند که فرد سعی می‌کند خود را شبیه و همانند آن‌ها بسازد و یا تغییر دهد. در کودکی پدر و مادر، در مدرسه معلم، در جامعه ستاره‌های سینما و ورزشکاران و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و... دیگران مهم تلقی می‌شوند. از این نوع افراد معمولاً به عنوان الگو

نیز یاد می‌شود. زمانی که فرد به ارزیابی خود می‌پردازد، معمولاً خود را با دیگران مهم مقایسه می‌کند و به میزانی که بین خود و این شخصیت‌ها فاصله و تفاوت می‌بیند از هویت کنونی‌اش احساس خرسندی می‌کند و در جهت تغییرات آن می‌کوشد. (تنهایی، ۱۳۸۳: ۴۰۴).

از نظر مید، خود یا خویشتن، به عنوان چیزی که می‌تواند هدف نگاه و معروض خودش باشد، اساساً ساختاری اجتماعی دارد و در تجربه‌ی اجتماعی ظهور می‌کند. و به این ترتیب می‌توان یک خویشتن مطلقاً جدا و تنها را به تصور آورد. اما به تصور درآوردن خویشتنی که خارج از تجربه‌ی اجتماعی به ظهور می‌رسد غیرممکن است. به طور عادی در چارچوب نوع کلی جامعه‌ای که به آن تعلق داریم، خویشتن وحدت‌یافته و یکتا وجود دارد ولی این خویشتن یکتا می‌تواند شکسته شود. شخصی که به هر دلیلی ثبات روحی ندارد و به نوعی شقاق شخصیتی دچار است، امکان بعضی از فعالیت‌ها را از دست می‌دهد و آن فعالیت‌ها (که از توان وی خارج هستند) ممکن است سر برآوردن خویشتن دیگری را سبب شوند. مید معتقد است که در رشد جامع خویشتن، دو مرحله‌ی عمومی وجود دارد. در اولین مرحله، خویشتن فرد به طور ساده با سازمان‌یافتگی سلوک‌های خاص افراد دیگر در جهت او و در جهت یکدیگر در اعمال مشخص اجتماعی که مابۀ الاشتراک وی و آن‌ها هستند به وجود می‌آید. ولی در دومین مرحله، آن خویشتن فقط از سازمان‌یافتگی این سلوک‌های خاص فردی تشکیل نمی‌شود بلکه همچنین از سازمان‌یافتگی سلوک‌های اجتماعی «دیگری تعمیم‌یافته» یا کل گروه اجتماعی که بدان تعلق دارد نیز به وجود می‌آید. «من» پاسخ موجود زنده به سلوک‌های دیگران است، ولی «مرا» عبارت از مجموعه‌ی سلوک‌های سازمان‌یافته‌ی دیگران به صورتی است که خود فرد آن‌ها را اخذ می‌کند. سلوک‌های دیگران «مرا» سازمان‌یافته را به وجود می‌آورد و سپس فرد به عنوان «من» در برابر آن واکنش نشان می‌دهد (جباروند، ۱۳۸۶: ۶۰). از دیدگاه مید، هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

سازمان‌یافته‌ی اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به بیان دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

اریکسون، بحران هویت را در توصیف ناتوانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد به کار می‌برد. از دید او فردی که قادر به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایده‌آل‌هایش به هم می‌ریزد. چنین فردی که از درهم‌ریختگی هویت رنج می‌برد، نه می‌تواند ارزش‌های گذشته‌ی خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش‌هایی می‌شود که به کمک آن‌ها بتواند آزادانه برای آینده طرح‌ریزی نماید. بسیاری از افراد زمانی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می‌گردند. هویتی درست بر خلاف آنچه که والدین و جامعه برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند. از دیگر آثار و تبعات بعدی بحران هویت می‌توان به پدیده‌هایی چون مسؤلیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌توجهی اشاره کرد. کسی که نتوانسته پاسخی برای سؤال‌های اساسی خود بیابد، انگیزه‌ای هم برای پرداختن به وظیفه‌ی خویش در قبال دیگران نخواهد داشت. چرا که فاصله‌ای بین ارزش‌های فرد و جامعه به وجود آمده است (شرفی، ۱۳۸۱: ۲۰).

سی‌من از خود بیگانگی را از دیدگاه شخصی کنشگر بررسی می‌کند. بطور خلاصه سی‌من معتقد است که با از بین رفتن جامعه‌ی قدیمی، افراد از روابط اجتماعی الزام‌آور خود جدا شده‌اند که نتیجه‌ی چنین جدایی هم از لحاظ شخص می‌تواند ویران‌گر باشد و هم ارزش‌های دموکراتیک را دچار سستی کند. در چنین حالتی بیگانگی به عنوان پدیده‌ای ظاهر می‌شود که توسط ساختار اجتماعی به وجود می‌آید و باعث بروز رفتارهای متمایز از رفتارهای حاکم بر جامعه می‌شود. بیگانگی فرهنگی، اساسی است که طی آن فرد نسبت به باورها و اهدافی که در یک جامعه‌ی خاصی ارزشمند و دارای پاداش اجتماعی می‌باشد اعتقاد نازلی دارد (رسولی، ۱۳۸۵: ۷-۲۶).

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

از دیدگاه جنکینز هویت اجتماعی به شیوه‌هایی اشاره دارد که به واسطه‌ی آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود را از جماعت‌های دیگر متمایز می‌کنند. لذا هویت اجتماعی یک بازی است که در آن رو در رو بازی می‌شود. هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و از این که افراد دیگر کیستند. از این رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و توافق نداشتن است. به عبارت دیگر وقتی می‌گوییم «هویت اجتماعی»، منظور هویتی است که توسط خانواده، ایل یا قبیله به افراد داده می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷).

وی معتقد است که اگر محور و مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت اجتماعی چنین امکانی را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، بدون وجود چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار به دیگران پیوند یابند. بنابراین بدون وجود هویت اجتماعی، در واقع جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. هویت اجتماعی نه فقط ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر خواهد ساخت، بلکه به زندگی افراد معنا می‌بخشد. هویت نه فقط برآیندی برای خودشناسی کنش‌گران اجتماعی است، بلکه معناسازی نیز به واسطه‌ی آن صورت می‌گیرد. لذا هویت اجتماعی مهم‌ترین ویژگی هر ملت، فرهنگ، تاریخ و سرزمین مشترک است.

هویت و بحران هویت قومی: هویت قومی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم سؤال «من که هستم؟» عامل قدرتمندی در تکوین و حفظ گروه قومی، و پیوندهای اجتماعی وابسته به آن است. هویت قومی مجموعه‌ی ایده‌های فرد درباره‌ی اعضای گروه قومی خود و بازشناسی خود با استفاده از برچسب‌های قومی است. هویت قومی برای همه‌ی اعضای یک گروه قومی یکسره مشابه نیست و به عنوان جزء مکمل تولید و درک "مفهوم خود" برای هر فرد مقوله‌ای بی‌نظیر است. گروه قومی به عنوان هسته‌ی اصلی شکل‌دهنده‌ی هویت قومی دسته‌ای از مردم

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

دارای فرهنگ مشترک است که خود را از افراد دیگر جامعه متمایز می‌کنند و یک جمع ویژه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند.

به نظر اریکسون هویت قومی عبارت از تفاوت فرهنگی بین دو گروه مشخص و قطعی نیست. دو گروه می‌توانند از لحاظ فرهنگی یکسان باشند ولی دو گروه متفاوتی را تشکیل دهند و بر عکس. به نظر وی مؤلفه‌های فرهنگی از عناصر لازم هویت قومی هستند ولی کافی نیستند. برای ایجاد قومیت و هویت قومی آگاهی از این عناصر فرهنگی در ارتباط با دیگر گروه‌های قومی نیز ضروری است. تا گروه متقابل با دیگران نباشد و تا زمانی که در این کنش متقابل به تفاوت‌های دیگران آگاه نشده باشد، گروه قومی وجود ندارد. در مقابل فینی تعریف جامع‌تری از هویت قومی به دست می‌دهد و آن را متمایز از هویت شخص به عنوان فرد می‌داند. چهار جزو عمده‌ی تعریف هویت قومی از نظر فینی عبارتند از: آگاهی قومی، بازشناسی خود قومی، نگرش قومی و رفتار قومی.

گزینه‌ی عقلانی: در این رهیافت رفتارها و تصمیم‌های افراد متأثر از شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری، کنش‌های متقابل، ارزش‌ها، امکانات و توانایی‌های مالی و رفاهی افراد و انتظاراتشان می‌باشد. افراد در تصمیم‌گیری‌ها در این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها محصور و در عین حال مترصد دستیابی به حداکثر سود هستند. بر پایه‌ی این نظریه، عضویت افراد در گروه‌های قومی حاصل آگاهی‌های قومی است که خود از خلال گزینه‌های فردی و جمعی منتج می‌شود. به باور بانتون این گزینه‌ی مرتباً صورت می‌گیرد و گروه قومی نیز با توجه به این که افراد پیوسته در حال سنجش امتیازات و بهای در پیش گرفتن خط و مشی‌های گوناگون خود هستند، در حال تغییر و تحول می‌باشد. این افراد با عضویت خود در گروه‌های قومی تمایزات خود را از دیگر افراد و گروه‌ها مشخص می‌کنند و اقدامات جمعی خود را در چارچوب منافع موجود و متصور شکل می‌بخشند.

استعمار داخلی: این نظریه با تعمیم مناسبات نابرابر در سطح جهانی به داخل کشورها، بر وجود

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

روابط نابرابر فرهنگی بین فرهنگ سلطه‌گر و فرهنگ‌های زیر سلطه در درون این جوامع تأکید دارد. مرکز-پیرامون (نظام جهانی): فرضیه اصلی این نظریه آن است مطالعه‌ی تحول اجتماعی در هر یک از مؤلفه‌های نظام چون گروه‌های قومی را باید با قرار دادن آن مؤلفه در درون نظام شروع کرد. در نظریه‌ی نظام جهانی در عین توجه به روابط نابرابر داخلی میان مرکز و پیرامون، این امر به نظام نابرابر بین‌المللی و مراکز سلطه ارتباط داده شده است.

هویت ملی و بحران هویت ملی: هویت ملی همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند. در تعریفی دیگر، هویت ملی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، تعریف شده است که سبب تشخیص تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا هویت ملی اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است. هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است. برخی از عوامل بحران‌زا در هویت ملی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

الف) پدیده‌ی دوفرهنگی: منظور از پدیده‌ی دوفرهنگی آن است که دو فرهنگ پیشین و فرهنگ امروزی در کنار هم و غالباً در تعارض باهم به سر می‌برند و فرد ناگزیر است که با هر دوی آن‌ها دمساز شود. مهم‌ترین معضلی که این پدیده ایجاد می‌کند آن است که نسل جوان نه به درستی از فرهنگ ملی خویش آگاهی دارد (در حقیقت با آن بیگانه است) و نه می‌تواند تمام عناصر فرهنگ بیگانه را جذب و درون‌سازی نماید. از این رو هویت ملی چنین نسلی به پدیده‌ای غامض و لاینحل مبدل می‌شود.

ب) فقدان آگاهی: دل‌بستگی به هویت ملی از آگاهی نسبت به خصیصه‌ها، مفاخر و ارزش‌های ملی سرچشمه می‌گیرد و اساساً شناخت هر پدیده موجب یگانگی با آن

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

می‌شود و متقابلاً شناخت نداشتن موجب بیگانگی می‌گردد. همچنین بیگانگی زمینه‌ساز انس و الفت با جامعه شده و پیوندهایی را میان آدمی و آن پدیده به وجود می‌آورد. بیگانگی نیز عامل دوری، جدایی و فاصله از آن پدیده می‌گردد.

ج) غرب‌باوری: رویکرد نسل جوان به فرهنگ غرب زمانی که با بررسی و ارزیابی آگاهانه همراه باشد با تکوین هویت ملی در تعارض نیست و این نوعی از تجلی فرهنگ‌هاست. در مقابل، برخورد منفعلانه با دستاوردهای فرهنگ غرب، فرهنگ ملی را از هم متلاشی می‌کند و در نتیجه جایی برای حضور هویت ملی باقی نمی‌ماند.

د) نفی مفاخر ملی: احساس هویت ملی بر مفاخر پیشین یک ملت تکیه دارد. تزلزل و بی‌اعتمادی نسبت به افتخارات گذشته، هویت ملی را مخدوش و بی‌اعتبار می‌کند. چنانچه در بررسی تاریخ گذشتگان رویکردی گزینشی و نقادانه صورت بگیرد، هویت ملی تقویت می‌شود و در غیر این صورت و با نفی همه‌ی آنچه که در گذشته واقع شده است، نمی‌توان راه به جایی برد (شرفی، ۱۳۸۱: ۵۰).

سرمایه‌ی فرهنگی: واژه‌ی سرمایه تأکید بر این امر دارد که مولد است و فرد را قادر می‌سازد ارزشی به وجود آورد، کاری انجام دهد، به هدفی نایل شود، مأموریتی را در زندگی انجام دهد، و نقشی در جهان ایفا کند (شارع‌پور، ۱۳۸۱: ۶۶). دریافت بوردیو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. در واقع سرمایه منبعی عام است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود بگیرد. واژه‌ی سرمایه همچنین رساننده‌ی چیزی است که هویت خود را پس از استفاده‌ی مکرر حفظ می‌کند. چیزی که می‌توان بارها آن را به کار برد، نابود کرد و به دست آورد و یا بهبود بخشید. به تعبیر بوردیو «اگر در صدد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده‌ی سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم» (همان: ۱۳۴). وی سرمایه را منبعی می‌داند که قدرت به بار می‌آورد.

ترنر سرمایه‌ی فرهنگی را مجموعه‌ی نمادها، عادات، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی تعریف می‌کند که به طرز غیررسمی بین افراد شایع است. از نظر کالینز سرمایه‌ی فرهنگی شامل «منابعی نظیر امکانات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه‌ی زبانی، انواع خاص دانش یا مهارت، حق ویژه‌ی تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌باشد. وی معتقد است که سرمایه‌ی فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادات پا بر جا و تثبیت‌شده در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است. اصطلاح سرمایه‌ی فرهنگی از قیاس با سرمایه‌ی اقتصادی در نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه‌داری رواج یافته است. همچنین سرمایه‌ی فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد تعریف شده است (فکوهی، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

سرمایه‌ی فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی اشاره دارد که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت شده است و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی را در بر می‌گیرد. کاربرد ابعاد مختلف سرمایه‌ی فرهنگی موجب تفاوت در نحوه‌ی زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسبسواری، گلف و مانند آن را موجب می‌شود. در واقع، استفاده‌کنندگان از سرمایه‌ی فرهنگی در قشربندی اجتماعی در طبقه‌ی بالای اجتماع قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر دارندگان امتیازات اقتصادی که در طبقه‌ی بالای اجتماعی قرار دارند به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه‌ی فرهنگی دست می‌یابند. همچنین سرمایه‌ی فرهنگی در اشکال مختلف وجود داشته و شامل تمایلات و عادات دیرینه‌ای است که در فرآیند انباشت اشیای فرهنگی با ارزش مثل نقاشی و صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی حاصل شده است.

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

سرمایه‌ی فرهنگی از دید بورديو دارای ابعاد سه‌گانه‌ی زیر می‌باشد:

سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته: می‌توان بیشتر ویژگی‌های سرمایه‌ی فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری انتقال داد. این بعد از سرمایه‌ی فرهنگی به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد. بعد تجسم‌یافته در واقع سرمایه‌ی فرهنگی درونی‌شده‌ی توانایی‌های بالقوه‌ای می‌باشد که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده‌اند. این نوع سرمایه می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان در شکل یادگیری افزایش یابد و در فرد عجین شده و نوعی از رفتار فرد می‌شود و بنابراین نمی‌تواند به طور آنی انتقال یابد.

سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته: از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه‌ی فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند و بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد. ویژگی بارز آن، قابل انتقال بودن آن است. بنابراین این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح می‌باشد و می‌تواند جنبه‌ی نمادی آن هم حفظ گردد. به طور خلاصه، به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی عینی می‌گویند؛ اما خصلت اساسی این سرمایه در این است که اثر آموزشی بر دارنده آن می‌گذارد.

سرمایه‌ی فرهنگی نهادی و ضابطه‌ای: لازمه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز، وجود افراد باصلاحیت و مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر مستلزم وجود نهادهای رسمی می‌باشد که هم این مدارک تحصیلی را صادر و هم به آن رسمیت می‌بخشند. از ویژگی‌های این سرمایه این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه‌ی فرهنگی را از

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

طریق کاربرد آن به صورت معقول و رسمی به نوعی سرمایه‌ی اقتصادی تبدیل نماید. سرمایه‌ی فرهنگی نهادی با قوانین و مقررات نهادینه‌شده حاصل می‌شود و برای دارنده‌ی آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند. این سرمایه به کمک ضوابط اجتماعی و با به دست آوردن عنوان‌هایی مانند مدارک تحصیلی، یا تصدیق حرفه و کار، برای افراد کسب موقعیت می‌کند و قابل واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معینی بستگی دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۰).

تحقیقات انجام‌یافته در ارتباط با موضوع
محمد عبدالمهدی در تحقیقی با عنوان
«جامعه‌شناسی بحران هویت مبانی ذهنی بحران هویت
جمعی در ایران، و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله‌ی
فرهنگی ایران با جهان» به این جمع‌بندی رسیده است
که امروزه ما در ایران با تعدد و تعارض هویت‌های
جمعی کوچک و خاص‌گرایانه و نبود هویت جمعی عام در
سطح جامعه روبه‌رو هستیم. در چنین شرایطی افراد یا
هم‌چنان به هویت‌های کوچک و محلی خود وفادار هستند
یا با کنده شدن از آن به دلیل وجود خلأ، یعنی نبود
هویت ملی یا جامعه‌ای، به سمت هویت‌های فراملی جذب
می‌شوند. بنابراین چنان که هویت جمعی عام در سطح
جامعه تقویت نشود، آسیب‌پذیری در ایران در برابر
عوامل خارجی بیشتر و بحران هویت گسترده و عمیق‌تر
می‌شود و به دنبال آن امکان تطابق با شرایط پویایی
جهان مشکل‌تر می‌شود.

گل محمدی در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و
بحران هویت» بر معنا ساز بودن و ساختگی بودن هویت
تأکید نموده، به این نتیجه می‌رسد که هویت چیزی
طبیعی و ذاتی و از پیش تعیین‌شده نیست. بنابراین
جوامع و حکومت‌ها آن را می‌سازند و حفظ و تقویت
می‌کنند. در دوران پیشامدرن فرد به واسطه‌ی سنت‌ها و
ساختارها هویت می‌یافت. انسان مدرن مستقل از
تعلقات فرهنگی صاحب هویتی یکسان و پایدار می‌گردد
و از دیدگاه پستمدرن بر سیاست تعدد و تنوع منابع
هویت‌یابی فرد تأکید می‌شود. هویت‌سازی از این
دیدگاه با بحران‌های جدی همراه است. پدیده‌ی جهانی

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

شدن نه تنها با فضا مند ساختن زندگی اجتماعی قابلیت و توانایی مکان و زمان را در هویت‌یابی کم‌رنگ ساخته است، بلکه فضای انحصاری فرهنگها را به عنوان مهم‌ترین منبع هویت بر هم ریخته و بنابراین قابلیت و توانایی آنها را در زمینه‌ی هویت‌سازی سنتی بسیار کاهش داده است. از سوی دیگر ساختگی بودن فرهنگها و وجود نداشتن سلسله‌مراتب بین آنها در بروز بحران هویت تأثیر داشته است. نویسنده از جمله راهکارهای بازسازی هویت را معرفی هویتی می‌داند که با استفاده از منابع و امکانات و فضای اجتماعی بسیار پهناوری که جهانی شدن فراهم می‌کند، امکان بازتولید هویت‌های ترکیبی و پیوندی ایجاد گردد. (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰).

شارع‌پور و خوش‌فر در بررسی رابطه بین ابعاد سه‌گانه سرمایه‌ی فرهنگی با هویت‌های چهار گانه ملی، خانوادگی، مذهبی و فردی نشان داده‌اند که بین سرمایه‌ی فرهنگی و هویت فردی جوانان همبستگی مثبت ولی بسیار ضعیف برقرار است. هم‌چنین بین سرمایه‌ی فرهنگی و هویت ملی همبستگی مثبت و معنادار برقرار داشت. در نتیجه سرمایه‌ی فرهنگی با انواع هویت‌ها همبستگی مثبت داشت (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰).

در تحقیق دیگری توسط حسین‌زاده به بررسی رابطه‌ی ابعاد سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با هویت‌های ملی، دینی، قومی، فردی و جهانی پرداخته شده است. بین متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی و هویت ملی رابطه‌ی مثبت و مستقیم برقرار و همبستگی زیاد می‌باشد. همبستگی بین دو متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و هویت قومی نیز مثبت و مستقیم بود. هم‌چنین در بررسی رابطه میان سرمایه‌ی فرهنگی و هویت فردی مشخص شد که رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

ارشد خردگردی در بررسی «عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت دانشجویان دانشگاه تبریز» به این نتیجه رسیده است که میانگین بحران هویت دانشجویان در حد بالایی می‌باشد (ارشد خردگردی، ۱۳۸۰: ۹).

اشرفی در بررسی «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

نوجوانان به الگوهای فرهنگی غربی (رپ و هوی متال) در تهران» به این نتیجه رسیده است که ضعف و ناکامی نظام اجتماعی در ایجاد زمینه برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی در نوجوانان به احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان و در نتیجه هویت‌یابی در قالب گرایش‌های بنیادی - کنش و شادی به الگوهای غربی (رپ و هوی متال) می‌انجامد. گرایش نوجوانان به الگوهای غربی و تبیین آن‌ها با احساس بی‌هویتی اجتماعی نسبت به نظام اجتماعی فقط در شکل ظاهری وجود ندارد بلکه در سطوح مهم و حساس‌تری در بین نوجوانان که در ظاهر گرایش به غرب دارند نیز وجود دارد (اشرفی، ۱۳۸۷: ۴۰).

روش تحقیق

جامعه‌ی آماری در این تحقیق کلیه‌ی دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ می‌باشد تعداد آنان ۳۳۵۸ نفر می‌باشد. در کل حجم نمونه ۳۴۵ نفر محاسبه شده است که با روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است: ۴۸ نفر علوم پایه، ۲۰۸ نفر علوم انسانی، ۸ نفر معماری و هنر و ۸۱ نفر فنی و مهندسی. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای بود که بر اساس فرضیه‌های مطرح‌شده ساخته شد به گونه‌ای که خود پاسخگو امکان تکمیل آن را داشته باشد. اعتبار این پژوهش مبتنی بر اعتبار محتوا است که بر قضاوت و داوری متخصصان استوار است. به همین منظور، اولاً سعی شد برای سنجش گویه‌های متغیرهای تحقیق یا از گویه‌های تحقیقات پیشین که زیر نظر استادان مجرب، استفاده و اجرا شده‌اند، استفاده شود و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها برای متغیرهای جدید، از نظرات محققین و استادان دیگر استفاده شود. در نهایت، پرسشنامه‌ی تدوین‌شده به استادان و متخصصان نشان داده شده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. بدین ترتیب پرسشنامه‌ی این تحقیق از اعتبار محتوایی برخوردار است. برای آزمون پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید.

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
 کارشناسی ارشد
 دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

جدول شماره ۱: پایایی گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق

نام مؤلفه	سرمایه‌ی فرهنگی	هویت قومی	هویت ملی	هویت جهانی	هویت فردی
میزان آلفا	۰/۷۸	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۷۰	۰/۶۱

در این تحقیق علاوه بر روش کمی پیمایش، از روش کیفی اسنادی نیز استفاده شده است. یعنی برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین و جمع‌آوری اطلاعات در رابطه بحران هویت و اعتماد، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. نهایتاً باید گفت که این مطالعه به لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات گردآوری‌شده نشان می‌دهند که ۴۱/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۸/۲ درصد از پاسخگویان زن بوده‌اند. سن پاسخگویان ۲۱ تا ۴۸ ساله بوده و میانگین سنی آنان ۲۹/۴ سال می‌باشد. بیشترین تعداد پاسخگویان نیز ۲۵ ساله بودند. ۱۲/۳ درصد از پاسخگویان در رشته‌های علوم پایه، ۶۱/۲ درصد در رشته‌های علوم انسانی، ۲/۸ درصد در رشته‌های معماری و هنر و ۲۳/۷ درصد در رشته‌های فنی و مهندسی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

میزان سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان بین ۵۸-۱۶ و میانگین سرمایه‌ی فرهنگی ۳۶/۰۴، با انحراف معیار ۷/۳۷۹ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۳) و مقدار کشیدگی (۰/۴۵۷) می‌باشد. میزان هویت فردی پاسخگویان بین ۵۵-۸ با میانگین ۳۷/۸، و انحراف معیار ۵/۴۷۸ می‌باشد. مقدار کشیدگی (۵/۰۰۹) و مقدار چولگی (۰/۷۱۳) می‌باشد. میزان هویت قومی پاسخگویان بین ۵۰-۲۱ با میانگین ۳۹/۴۹، و انحراف معیار ۶/۲۲۸ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۱۴۴) و مقدار کشیدگی (۰/۵۴۷) می‌باشد. میزان هویت ملی پاسخگویان نیز بین ۴۵-۹ با میانگین ۳۳/۱۳، و انحراف معیار ۶/۸۳۰ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۸۷۸) و مقدار کشیدگی (۰/۹۱۹) می‌باشد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

رابطه بین میزان سرمایه‌ی فرهنگی و میزان بحران هویت فردی نتایج حاصل از اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r = -0/147$ ؛ $p < 0/05$) نشان می‌دهد که همبستگی معکوس و معناداری بین این دو وجود دارد. بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۲: همبستگی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت فردی			
متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (دو دامنه)
سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت فردی	۲۵۳	-۰/۱۴۷	۰/۰۱۹

رابطه بین میزان سرمایه‌ی فرهنگی و میزان بحران هویت قومی نتایج حاصل از اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r = -0/201$ ؛ $p < 0/05$) نشان داد که همبستگی معکوس و معناداری بین این دو وجود دارد و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳: همبستگی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت قومی			
متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (دو دامنه)
سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت قومی	۲۵۳	-۰/۲۰۱	۰/۰۳۸

رابطه بین میزان سرمایه‌ی فرهنگی و میزان بحران هویت ملی نتایج حاصل از اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r = -0/228$ ؛ $p < 0/05$) نشان داد که همبستگی معکوس و معناداری بین این دو وجود دارد و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۴: همبستگی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت ملی			
متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (دو دامنه)
سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت ملی	۲۵۳	-۰/۲۲۸	۰/۰۳۱

تفاوت میانگین بحران هویت فردی در میان دانشجویان دختر و پسر نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که میانگین هویت فردی مردان $35/33$ و زنان $32/84$ می‌باشد. نتیجه‌ی تست لون ($t = 4/561$ ؛ $p < 0/05$) نشان می‌دهد که واریانس دو گروه باهم برابر نیست. بنابراین با توجه به این که در سطر دوم مقدار $t = 4/152$ و $p < 0/05$ می‌باشد، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت فردی در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۵: میانگین هویت فردی بر حسب جنسیت			
جنس فراوانی میانگین	انحراف معیار	t	درجه‌ی آزادی
سطح معناداری			

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
 کارشناسی ارشد
 دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

هویت فردی	مرد	۱۳۶	۳۵/۳۳	۶/۴۰۸	۴/۵۶۱	۳۲۲	۰/۰۰۰
هویت فردی	زن	۱۸۸	۳۲/۸۴	۳/۲۹۷			

تفاوت میانگین بحران هویت قومی در میان دانشجویان دختر و پسر نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که میانگین هویت قومی مردان ۴۰/۵۶ و زنان ۳۶/۴۶ می‌باشد. نتیجه‌ی تست لون ($p < ۰/۰۵$ ؛ $t=۶/۹۳۵$) نشان می‌دهد واریانس دو گروه باهم برابر نیست. بنابراین با توجه به این که در سطر دوم مقدار $t=۶/۴۳۰$ و $p < ۰/۰۵$ Sig می‌باشد، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت قومی در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۶: میانگین هویت قومی بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	t	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
هویت قومی	مرد	۱۳۳	۴۰/۵۶	۶/۵۰۸	۶/۹۳۵	۰/۰۰۰
هویت قومی	زن	۱۸۹	۳۶/۴۶	۴/۰۹۸		

تفاوت میانگین بحران هویت ملی در میان دانشجویان دختر و پسر نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که میانگین هویت ملی مردان ۳۲/۱۱ و زنان ۳۳/۸۷ می‌باشد. نتیجه‌ی تست لون ($p < ۰/۰۵$ ؛ $t=-۲/۳۰۳$) نشان می‌دهد که واریانس دو گروه باهم برابر نیست. بنابراین با توجه به این که در سطر دوم مقدار $t=-۲/۲۲۸$ و $p < ۰/۰۵$ Sig می‌باشد، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت ملی در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۷: میانگین هویت ملی بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	t	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
هویت ملی	مرد	۱۳۶	۳۲/۱۱	۷/۵۶۶	-۲/۳۰۳	۰/۰۲۳
هویت ملی	زن	۱۸۹	۳۳/۸۷	۶/۱۶۴		

تفاوت میانگین بحران هویت فردی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های مختلف

در تحلیل واریانس یکطرفه، با توجه به مقادیر ($F=۱۳/۵۰۷$ و $Sig < ۰/۰۵$)، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت فردی در میان دانشجویان رشته‌های مختلف متفاوت است و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۸: میانگین هویت فردی بر حسب شاخه‌ی تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	حداقل	حداکثر	F	سطح معناداری
علوم	۴۰	۳۳/۱۳	۳/۱۸۸	۰/۵۰۴	۲۷	۴۵	۱۳/۵۰۷	۰/۰۰۰

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

۶۹	۳۲	۰/۲۵۴	۳/۵۸۰	۳۷/۵۴	۱۹	پایه علوم انسانی
۳۶	۳۰	۰/۷۲۲	۲/۱۶۷	۳۳/۲۲	۹	معماری و هنر فنی و مهندسی
۵۵	۸	۰/۸۳۳	۷/۳۰۸	۳۵/۲۱	۷۷	کل
۶۹	۸	۰/۲۷۴	۴/۹۴۳	۳۶/۳۳	۳۲	

تفاوت میانگین بحران هویت قومی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های مختلف

در تحلیل واریانس یکطرفه، با توجه به مقادیر ($F=۴/۰۱۸$ و $Sig < ۰/۰۵$)، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت قومی در میان دانشجویان رشته‌های مختلف متفاوت است و بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۹: میانگین هویت قومی بر حسب شاخه‌ی تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	حداقل	حداکثر	F	سطح معناداری
علوم پایه	۴۰	۳۹/۳۸	۵/۷۱۰	۰/۹۰۳	۲۸	۴۹		
علوم انسانی	۱۹	۴۱/۵۴	۴/۱۱۰	۰/۲۹۳	۳۵	۵۰		
معماری و هنر فنی و مهندسی	۹	۳۷/۷۸	۶/۰۱۶	۲/۰۰۵	۳۰	۴۷	۴/۰۱۸	۰/۰۰۸
کل	۳۲	۴۰/۸۷	۵/۰۷۳	۰/۲۸۳	۲۱	۵۰		

تفاوت میانگین بحران هویت ملی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های مختلف

در تحلیل واریانس یکطرفه، با توجه به مقادیر ($F=۳/۰۵۴$ و $Sig < ۰/۰۵$)، می‌توان گفت که میانگین بحران هویت ملی در میان دانشجویان رشته‌های مختلف متفاوت است و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۱۰: میانگین هویت ملی بر حسب شاخه‌ی تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	حداقل	حداکثر	F	سطح معناداری
علوم پایه	۴۰	۳۳/۵۳	۶/۰۳۸	۰/۹۵۵	۱۷	۴۵		
علوم انسانی	۱۹	۳۴/۴۵	۴/۸۳۳	۰/۳۴۳	۱۷	۴۵		
معماری و هنر فنی و مهندسی	۹	۲۹/۶۷	۴/۷۴۳	۱/۵۸۱	۲۵	۴۳۹۷	۳/۰۵۴	۰/۰۲۹
کل	۳۲	۳۳/۸۲	۵/۸۵۷	۰/۳۲۵	۱۰	۴۵		

تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی سلسله مراتبی

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
 کارشناسی ارشد
 دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

در تحلیل رگرسیون بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با بحران هویت فردی، متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی به ترتیب وارد مدل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که این سه متغیر توانسته‌اند ۲۲/۸٪ از واریانس بحران هویت فردی را تبیین نمایند ($R^2=0/228, Adj.R^2=0/223$). مقدار F نیز نشان می‌دهد که مدل از نظر آماری در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۱۱: رگرسیون چندگانه‌ی بحران هویت فردی

مرحله	متغیر	β	R^2	Ad R^2	B	df	F	Sig
۱	سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۱۸۳	۰/۱۴۷	۰/۱۴۵	۰/۱۶۳	۱ و ۲۵۲	۳۵/۹۶۳	
۲	جنسیت	۰/۱۹۴	۰/۲۰۱	۰/۱۹۸	۰/۱۸۷	۲ و ۲۵۲	۲۹/۷۵۶	۰/۰۱۹
۳	شاخه‌ی تحصیلی	۰/۲۰۳	۰/۲۲۸	۰/۲۲۳	۰/۱۹۹	۳ و ۲۵۲	۳۱/۷۵۳	

در تحلیل رگرسیون بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با بحران هویت قومی، متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی به ترتیب وارد مدل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که این سه متغیر توانسته‌اند ۲۰/۹٪ از واریانس بحران هویت قومی را تبیین نمایند ($R^2=0/215, Adj.R^2=0/209$). مقدار F نیز نشان می‌دهد که مدل از نظر آماری در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۱۲: رگرسیون چندگانه‌ی بحران هویت قومی

مرحله	متغیر	β	R^2	Ad R^2	B	df	F	Sig
۱	سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۱۷۶	۰/۲۰۱	۰/۱۹۵	۰/۱۷۳	۱ و ۲۵۲	۲۹/۴۶۷	
۲	جنسیت	۰/۱۵۴	۰/۱۹۸	۰/۱۸۵	۰/۱۸۲	۲ و ۲۵۲	۲۶/۹۰۳	۰/۰۲۸
۳	شاخه‌ی تحصیلی	۰/۱۹۱	۰/۲۱۵	۰/۲۰۹	۰/۱۹۳	۳ و ۲۵۲	۲۸/۱۶۷	

نهایتاً در تحلیل رگرسیون بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با بحران هویت ملی، متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی به ترتیب وارد مدل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که این سه متغیر توانسته‌اند ۲۱/۲٪ از واریانس بحران هویت ملی را تبیین نمایند ($R^2=0/212, Adj.R^2=0/208$). مقدار F نیز نشان می‌دهد که مدل از نظر آماری در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

جدول شماره ۱۳: رگرسیون چندگانه‌ی بحران هویت ملی

مرحله	متغیر	β	R^2	AdR^2	B	df	F	Sig
۱	سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۱۹۵	۰/۲۲۸	۰/۲۲۱	۰/۱۸۹	۲۵۶	۲۷/۹۹۱	۰/۰۲۱
۲	جنسیت	۰/۱۶۲	۰/۲۰۱	۰/۱۹۵	۰/۱۶۳	۲۵۶	۲۴/۱۲۸	۰/۰۲۱
۳	شاخه‌ی تحصیلی	۰/۱۹۸	۰/۲۱۲	۰/۲۰۸	۰/۱۸۹	۲۵۶	۲۶/۸۳۴	۰/۰۲۱

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های توصیفی می‌توان مشاهده نمود که جنسیت اکثر پاسخگویان زن می‌باشد. یعنی به مانند جامعه‌ی بزرگتر، زنان و دختران علاقه‌مندی بیشتری به ادامه‌ی تحصیل و کسب مدارج تحصیلی بالاتر دارند. این امر به نوبه‌ی خود بر سطح تجربیات آنان و در نتیجه میزان سرمایه‌ی فرهنگی آنان تأثیر می‌گذارد. البته برای تحدید موضوع و جلوگیری از تشتت و گسترده‌تر شدن موضوع از بررسی ارتباط این موارد خودداری شده است. در زمینه‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگی دانشجویان نیز گفتنی است که متأسفانه میزان این متغیر پایین می‌باشد به گونه‌ای که میانگین امتیازات کسب‌شده توسط پاسخگویان در زمینه‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگی از بالاترین میزان کسب‌شده فاصله‌ی بیشتری داشته و اندکی به پایین‌ترین میزان کسب‌شده نزدیک‌تر است.

نتایج نشان داد که میزان بعد فردی هویت در میان پاسخگویان بالا می‌باشد. به گونه‌ای که میانگین هویت فردی پاسخگویان به حداکثر میزان هویت فردی نزدیک‌تر می‌باشد. یعنی دانشجویان از نظر هویت فردی در سطح بالایی قرار دارند و نهادهای متولی در ارائه‌ی مفاهیم مربوط به بعد فردی هویت به دانشجویان از ابتدای زندگی تا کنون موفق عمل نموده‌اند. اگر چه این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که رقم چولگی حاکی از وجود پراکندگی بیشتر در میان نظرات پاسخگویان از نظر بحران هویت فردی است. بدین معنی که افرادی که با بحران هویت فردی هستند پراکندگی بیشتری دارند.

هم‌چنین تحلیل نتایج نشان می‌دهد که میانگین هویت قومی پاسخگویان به بالاترین سطح نمونه‌ی آماری نزدیک می‌باشد و بخش عمده‌ای از پاسخگویان هویت قومی قوی‌تری داشته و کمتر با بحران هویت قومی

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

مواجه هستند. اگر چه هم‌راستا با نتایج به دست آمده در بعد فردی هویت، در این بعد نیز در زمینه‌ی ضعف هویت و داشتن بحران هویت قومی اختلاف نظر دیده می‌شود.

بررسی یافته‌های مربوط به سنجش بعد ملی هویت حاکی از آن است که دانشجویان از هویت ملی قوی‌تری برخوردارند چرا که میانگین امتیازات کسب‌شده به بالاترین میزان کسب‌شده از سوی پاسخگویان نزدیکتر است. با وجود این که میزان پراکندگی نظرات در زمینه‌ی ضعف بعد ملی هویت مانند موارد قبلی بوده و حتی بیشتر نیز می‌باشد، لیکن تراکم بیشتر نظرات پاسخگویان در اطراف میانگین، نشان از قوی بودن هویت ملی در بخش گسترده‌ای از پاسخگویان دارد.

وجود رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی و بعد فردی بحران هویت بدین معنی است که هر اندازه که افراد با بحران هویت فردی مواجه باشند به همان اندازه میزان سرمایه‌ی فرهنگی آنان نیز کمتر خواهد بود. بنابراین اگر چه عوامل متعددی می‌تواند با بحران هویت فردی همبستگی داشته باشد، لیکن می‌توان با افزایش سطح سرمایه‌ی فرهنگی به کاهش بحران هویت فردی کمک کرد. مشابه همین امر را در بعد ملی هویت نیز می‌توان مشاهده نمود. چرا که بین این دو همبستگی وجود دارد و به هر میزان که افراد با بحران هویت قومی کمتری مواجه باشند، به همان اندازه میزان سرمایه‌ی فرهنگی آنان بالا می‌باشد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اظهار داشت که یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار بین ابعاد مختلف هویت و سرمایه‌ی فرهنگی، جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی می‌باشد. این یافته‌ها هم‌راستا با مباحث نظری و تحقیقات پیشین است که از تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد مختلف حیات اجتماعی (مانند جنسیت و شاخه‌ی تحصیلی) بر بحران هویت و تأثیر و تأثر متقابل آن‌ها حکایت داشتند. بدین معنی که سرمایه‌ی فرهنگی بر افزایش سطح و میزان ابعاد مختلف هویت مؤثر بوده و نقش مثبتی در جامعه ایفا می‌نماید. همان گونه که در مقدمه مقاله بیان شد، تحقیقات شارع‌پور و خوش‌فر نیز بر این موضوع

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

صحه گذاشته است. همچنین این تحقیق هم‌راستا با تحقیقات حسین‌زاده می‌باشد که معتقد بود هر چه میزان سرمایه فرهنگی بالا رود، گرایش به داشتن هویت ملی نیز زیاد می‌شود.

همچنین این تحقیق نشان داد که اگر چه پیش‌داوری‌ها و نگرش عامه می‌تواند بر بالا بودن سرمایه فرهنگی در میان این قشر از جامعه تأکید داشته باشد، لیکن یافته‌ها نشان دادند که متأسفانه از یک سوی هم میزان هویت و میزان سرمایه فرهنگی در این قشر از جامعه چندان بالا نیست و هم رابطه‌ی بین این دو متغیر در جامعه‌ی دانشگاهی نسبتاً ضعیف می‌باشد. نکته‌ی مهم دیگری که باید بدان توجه داشت این است که اگر چه بین ابعاد مختلف هویت و سرمایه فرهنگی همبستگی معنادار و مثبتی برقرار بود، لیکن این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که میانگین میزان سرمایه فرهنگی به سطح پایین جامعه نزدیکتر بود و این می‌تواند نشان‌گر این نکته باشد که عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر سرمایه فرهنگی تأثیر دارند و نقش مؤثرتری در این زمینه ایفا می‌کنند.

پیشنهادها (پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی)

- پیشنهاد می‌شود مشابه همین بررسی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در سایر مقاطع تحصیلی و نیز دانشجویان دانشگاه‌های دیگر نیز صورت گیرد، تا امکان مقایسه بین مقاطع مختلف تحصیلی و نیز دانشگاه‌های مختلف فراهم گردد.

- از آن‌جا که پژوهش حاضر از نوع مقطعی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود چنین تحقیقاتی طی فواصل زمانی تجدید شوند تا روند تغییرنگرش‌ها و باورها مورد بررسی و عوامل مؤثر بر آن دقیق‌تر شناسایی شوند. این امر می‌تواند به شناخت روند تغییرات هویتی و سرمایه فرهنگی منجر شده و مسؤولان ذی‌ربط را در سیاست‌گذاری یاری رساند.

- پیشنهاد می‌شود محققین رابطه‌ی بین این دو متغیر را در میان سایر گروه‌ها و اقشار جامعه نیز به آزمون بگذارند تا مشخص شود که دیگر

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

عوامل اثرگذار بر رابطه‌ی این متغیرها ناشی
از چه عواملی می‌تواند باشد.

- متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق، تنها
توانسته‌اند حدود ۲۰ الی ۲۲ درصد از واریانس
بحران هویت (در ابعاد سه‌گانه‌ی آن) را تبیین
نمایند و قطعاً عوامل دیگر، در کنار سرمایه‌ی
فرهنگی، و یا با ترکیب با آن قدرت بیشتری
برای تبیین واریانس بحران هویت خواهند داشت.
بنابراین، شایسته است محققین به بررسی سایر
زمینه‌های بحران هویت در میان همین جامعه‌ی
آماری و جامعه‌های آماری دیگر بپردازند.

- پیشنهاد می‌شود دانشگاه در سرفصل‌های آموزشی
ارائه‌شده به دانشجویان در دروسی چون اخلاق و
تربیت اسلامی، نقش و اهمیت بیشتر و قابل
توجه‌تری به مباحث فرهنگی و تأثیر عوامل
فرهنگی داده و دانشجویان را به سمت تقویت
ابعاد مختلف هویت و به‌ویژه سرمایه‌ی فرهنگی
بیشتر سوق دهند.

- از آنجایی که یافته‌های تحقیق نشان‌گر وجود
بحران هویت و تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر این
متغیر است، پیشنهاد می‌شود وزارتخانه‌ها و
سازمان‌های فرهنگی چون وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی و یا سازمان تبلیغات اسلامی (به عنوان
سازمانی که بیشترین ارتباط را با جامعه‌ی
روحانیت و وعاظ دارد)، نقش و اهمیت ویژه‌ای به
بحث سرمایه‌ی فرهنگی داده و نسبت به تقویت این
ویژگی در سطح جامعه اقدام نماید.

- با توجه به این که رادیو و تلویزیون
رسانه‌های بسیار قدرتمندی هستند که می‌توانند بر
افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و سطح هویت اثرگذار
باشند، پیشنهاد می‌شود رسانه‌ی ملی در تهیه و پخش
برنامه‌های خود اثرات مثبت یا منفی آن‌ها را در
نظر داشته و کارگردانان و تهیه‌کنندگان
برنامه‌های تلویزیونی ضمن آشنایی دقیق با اثراتی
که تولیدات آن‌ها بر شکل‌گیری هویت و سرمایه‌ی
فرهنگی می‌گذارد، خود را از مشاوره با متخصصین
امر بی‌نیاز ندانند.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

منابع و مآخذ

- ۱- خردگردی، ا (۱۳۸۰)، عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت دانشجویان دانشگاه تبریز، (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۲- اشرفی، (۱۳۸۷)، بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هویت‌ماتل) در تهران، (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۳- الطافی، ع (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: انتشارات شادگان، چاپ دوم.
- ۴- بیات، ب (۱۳۷۸)، بررسی بهران هویت جوانان، ارتباط آن با برخی متغیرهای اجتماعی (نمونه دانش آموزان شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۵- تنهایی، ح (۱۳۸۳)، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، مشهد، نشر مرندیز.
- ۶- جباروند، س (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر بحران هویت در بین دانشجویان دانشگاه تربیت معلم (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۷- جنکینز، ر (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
- ۸- حسینزاده، م (۱۳۸۶)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۹- رسولی، ز (۱۳۸۵)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- ۱۰- سرایی، ح (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- شارع پور، م و خوشفر، غ (۱۳۸۱)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی دانشجویان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰- پاییز ۱۳۸۸.
- ۱۲- شرفی، م (۱۳۸۱)، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.

سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان
کارشناسی ارشد
دانشگاه آزاد اسلامی بررسی رابطه بین واحد تبریز

- ۱۳- فکوهی، ن (۱۳۸۸)، هویت ملی و هویت قومی-
در کردستان ایران، پژوهش جوان، فرهنگ و جامعه،
۱۳۸۸.
- ۱۴- قربانی، ق (۱۳۸۳)، هویت ملی از دیدگاه
مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم،
شماره ۲، ۱۳۸۳.
- ۱۵- کاستلز، م (۱۳۸۳)، هویت و مقاومت، ترجمه
حسین پایا، تهران، طرح نو ۱۳۸۳.
- ۱۶- کوزر، ل (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان
جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران نشر علمی
۱۳۷۳.
- ۱۷- گل محمدی، ا (۱۳۸۶)، جهانی شدن و بحران
هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم شماره ۴،
۱۳۸۶.
- ۱۸- میرساردو، ط- کاوسی، ا و ابراهیم زاده، ر
(۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر
بحران هویت جوانان، پژوهش نامه علوم اجتماعی،
سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷